



Research Article



Vol. 31, No. 1, 2024, p. 202 - 238

**Balance of Payment Shocks on the Economic
Growth of Middle Eastern Countries:
Evidence from a Global Vector
Auto Regression Approach (GVAR)**

M. Shirafkan Lemso^{1*}, Y. Sistani Badooei², Z. Baloci³

- 1- Assistant Professor, Department of Economics, Chabahar University of Maritime and Marine Sciences
- 2- Lecturer Academic Member of Economy, Baft Higher Education Center, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran
- 3- Ph. D Student of Economics, Tehran University Center, Tehran. Iran

(*- Corresponding Author Email: shirafkan@cmu.ac.ir)
<https://doi.org/10.22067/erd.2024.82807.1185>

Received:2023/06/06	How to cite this article: Shirafkan Lemso, M.; Sistani Badooei, Y. & Baloci, Z. (2024). Balance of Payment Shocks on the Economic Growth of Middle Eastern Countries: Evidence from a Global Vector Auto Regression Approach (GVAR). <i>Economics and Regional Development Journal</i> , 31(1): 202-238. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/erd.2024.82807.1185
Revised:2023/12/19	
Accepted:2024/10/12	
Available Online: 2024/10/12	

1- INTRODUCTION

One of the basic priorities of countries is achieving high economic growth. So that the country's balance of payments is one of the influencing

factors. Therefore, one of the goals of macroeconomics is to establish internal and external balance. The meaning of internal balance, equilibrium at the production level of full employment and balance in the government budget and the meaning of external balance is the balance of payments. In economics, the balance of payments (BOP) is a concept that shows the obligations of a country to the rest of the world and the relationship between the demands of that country from the rest of the world. The balance of payments to the state of the financial balance and savings of the private sector, which are considered to be the main factors of economic growth. Also, the balance of payments reflects the ratio of investment to savings. The country's balance of payments is equal to the difference between exports and imports, so that it represents the total transactions of domestic people with foreigners in the market of goods and services.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

Historically, many economic theoretical models such as neoclassical, Ricardian and Keynesian views have been proposed to explain the balance of payments deficit. Of course, with the passage of time and the existence of newer conditions, the theoretical models became more complex and complete, hence the theoretical foundations needed to explain the behavior of the balance of payments and economic policy in a more complete manner were created. Therefore, Wu, Ying and Chin and Prasad consider two points to be significant here. First, economists do not agree with each other about the factors influencing and forecasting the balance of payments deficit. Second, if the effect of financial deficits on the external sector is accepted, its mechanism is not easily clear, as the related complications in the practical scene are more than pure theoretical perspectives. Oyinka studied global imbalances, external adjustment and published shocks: with an African perspective and using a global vector autoregression (GVAR) model and for this purpose, they used the data of 47 countries in different regions during the period of 1979-4 to 2016-2. The results show that exchange rate policies in the United States and China are equally important for the economic activity and external accounts of African countries, with

changes in China's real effective exchange rate (REER) having a greater impact on the balance of payments of these developing countries.

3- METHODOLOGY

The balance of payments is one of the most important indicators of performance in any economy, which plays several roles in the direction of economic growth. The purpose of the current research is to study the effect of balance of payment shocks on economic growth with evidence from Middle East countries. For this purpose, the GVAR model is used for the Middle East countries during the period 1980-2021.

4- RESULTS & DISCUSSION

The results of the study show that based on the reaction charts of countries' economic growth to changes in exchange rates, charts of countries' economic growth reactions to balance of payments changes, charts of countries' balance of payments reactions to exchange rate changes and charts of countries' balance of payments reactions to changes in balance of payments, economic growth and the balance of payments of all countries have had increasing, decreasing or fluctuating reactions to exchange rate and balance of payment shocks; except for the results of Syria, there was no significant reaction to the changes in the exchange rate and balance of payments in this country.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

This study used the GVAR method to examine the impact of balance of payments shocks on the economic growth of Middle Eastern countries from 1980 to 2021. The findings indicate that changes in exchange rates and balance of payments have had varying effects on the economic growth of the region's countries. Some, like Cyprus, experienced growth improvement, while others exhibited fluctuations and declines. Additionally, no significant response was observed for countries like Syria. Based on these results, it is recommended that trade support and liberalization policies be adopted to improve trade balance and reduce economic growth volatility. Effective

strategies for managing external debt are also proposed as a solution to counteract the adverse effects of exchange rate and balance of payments shocks.

Keywords: Balance of Payment Shock, Economic Growth, Middle East, GVAR Model.



تأثیر شوک‌های تراز پرداخت بر رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه: شواهدی از الگوی خودرگرسیون برداری جهانی (GVAR)

مهدی شیرافکن لمسو *

استادیار اقتصاد دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، چابهار، ایران

یاسر سیستانی بدوئی

مربی عضو هیات علمی گروه اقتصاد مجتمع آموزش عالی بافت دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

زبیده بلوچی

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران مرکز، تهران، ایران

<https://doi.org/10.22067/erd.2024.82807.1185>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

تراز پرداخت‌ها یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد در هر اقتصادی است که نقش‌های متعددی را در جهت رشد اقتصادی ایفا می‌نماید. هدف پژوهش حاضر مطالعه اثر شوک‌های تراز پرداخت بر رشد اقتصادی با شواهدی از کشورهای خاورمیانه است. برای این منظور، از مدل GVAR برای کشورهای خاورمیانه، طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۲۱ استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد بر اساس نمودارهای واکنش رشد اقتصادی کشورها نسبت به تغییرات نرخ ارز، نمودارهای واکنش رشد اقتصادی کشورها نسبت به تغییرات تراز پرداخت، نمودارهای واکنش تراز پرداخت کشورها نسبت به تغییرات نرخ ارز و نمودارهای واکنش تراز پرداخت کشورها نسبت به تغییرات تراز پرداخت، رشد اقتصادی و تراز پرداخت تمامی کشورها نسبت به شوک‌های نرخ ارز و تراز پرداخت، واکنش‌های افزایشی، کاهشی داشته و یا دچار نوسان بوده‌اند؛ به‌جز نتایج کشور سوریه که نسبت به تغییرات نرخ ارز و تراز پرداخت واکنش قابل توجهی در این کشور مشاهده نشد. با توجه به نتایج به‌دست آمده مشاهده می‌شود که رشد اقتصادی اکثر کشورها پایدار نبوده و دچار نوسانات شده‌اند که طی چهار دوره اول بیشتر بوده است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود سیاست‌های حمایت از تجارت، هم از لحاظ واردات و هم از نظر صادرات اتخاذ گردد؛ چراکه این سیاست‌ها نه تنها موجب بهبود تراز تجاری و افزایش سطح آزادسازی تجاری کشور خواهد شد؛ بلکه رشد اقتصادی و تولید را نیز کاهش خواهد داد.

کلیدواژه‌ها: شوک تراز پرداخت، رشد اقتصادی، خاورمیانه، مدل جی ور.

* نویسنده مسئول: shirafkan@cmu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

صفحات: ۲۳۸-۲۰۲

مقدمه

از اولویت‌های اساسی کشورها، دستیابی به رشد اقتصادی بالا است، به‌طوری‌که تعادل تراز پرداخت‌های کشور یکی از عوامل تأثیرگذار بر آن است. ازاین‌رو، یکی از اهداف اقتصاد کلان برقراری تعادل داخلی و خارجی است. منظور از تعادل داخلی، تعادل در سطح تولید اشتغال کامل و تعادل در بودجه دولت و مقصود از تعادل خارجی، تعادل در تراز پرداخته است. در علم اقتصاد تراز پرداخت‌ها یا به اختصار^۱ BOP مفهومی است که تعهدات یک کشور به بقیه جهان و رابطه بین مطالبات آن کشور از بقیه جهان را نشان می‌دهد. تراز پرداخت‌ها به وضعیت تراز مالی و پس‌انداز بخش خصوصی که از عوامل اصلی رشد اقتصادی محسوب می‌شوند، بسیار نزدیک است و تراز پرداخت‌ها نسبت سرمایه‌گذاری به پس‌انداز را منعکس می‌کند. همچنین تراز پرداخت‌های کشور برابر است با تفاوت بین صادرات و واردات به‌طوری‌که نشان‌دهنده مجموع معاملات افراد داخلی با خارجیان در بازار کالاها و خدمات است. (Mohammadi et al., 2014). باتوجه‌به اینکه تراز پرداخت‌ها تکامل تدریجی ذخایر کشور از خالص مطالبات از کشورهای جهان را مشخص می‌کند، ازاین‌رو می‌توان بیان کرد که تراز پرداخت‌ها تصمیمات بین دوره‌ای افراد داخلی و خارجی را نشان می‌دهد. تعادل در تراز پرداخت‌ها زمانی که کسری تجاری با مقدار برابری از جریان خالص ورودی سرمایه هماهنگ شده یا مازاد تجاری با مقدار برابری از جریان خروجی سرمایه هماهنگ شده باشد، به دست می‌آید. کشورهای توسعه‌یافته در برخی اوقات وقتی کسری در تراز پرداخت‌ها وجود دارد، صادرات سرمایه را محدود می‌کنند و وقتی دارای مازاد است، واردات سرمایه را محدود می‌کنند. نرخ‌های ارز بالاتر برای کالاها و لوکس و غیرضروری، واردات آن‌ها را کاهش می‌دهد، درحالی‌که نرخ‌های ارز پایین برای کالاها و ضروری، واردات آن‌ها را تحریک و تشویق می‌کند. یک تعرفه وارداتی و یارانه صادراتی که به‌عنوان درصد مشخصی در سراسر همه کالاها استفاده می‌شود، برابر با تضعیف ارزش پول با همان درصد مشابه است. تعرفه‌های وارداتی و سهمیه‌های صادراتی، سیاست‌های جابه‌جایی مخارج هستند و تحریک تولید داخلی و درنهایت رشد اقتصادی را در بردارند.

نوسانات موجود تراز پرداخت‌ها از نتایج وجود بی‌ثباتی در یک کشور است که تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به وقوع می‌پیوندد. به‌طوری‌که یکی از روش‌های رسیدن به ثبات اقتصادی

¹ Balance of Payments

برای کشورها، مطرح‌شدن سیاست‌های تعدیل ساختار است. تعدیل ساختاری در اقتصاد معمولاً به وضعیتی اطلاق می‌شود که شیوه تنظیم بازار و فعالیت واحدهای اقتصادی به شکلی زیربنایی تغییر کرده باشد. این سیاست‌ها با هدف تثبیت اقتصاد در کوتاه‌مدت و تغییر ساختار در بلندمدت روش‌های متفاوتی را برای بهبود وضعیت کشورهای دارای کسری تراز تجاری ارائه می‌کنند. از انواع مهم اصلاحات ساختاری که در چهار دهه گذشته مورداجرا قرار گرفته است می‌توان به خصوصی‌سازی^۱، آزادسازی مالی^۲ و آزادسازی تجاری^۳ اشاره کرد (Pournaqi et al., 2022). ازاین‌رو این سیاست‌ها، می‌تواند اقتصاد یک کشور را از تمرکز دولت به سمت بازار سوق داده و اثرات قابل‌توجهی بر رشد اقتصادی و رفاه جامعه بگذارد. باتوجه‌به نظر اکثر اقتصاددانان، تجارت موتور رشد جوامع می‌باشد؛ زیرا باتوجه‌به مزیت‌های نسبی موجود تجارت بین‌الملل امکان بهره‌گیری از توانمندی‌های بالقوه اقتصادی را به وجود می‌آورد و علائم روشنی را برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی سودآور و قابل‌رقابت در عرصه جهانی پدیدار ساخته و موجب افزایش صادرات می‌شود. همچنین بازبودن اقتصاد یا تجارت بین‌الملل، نرخ رشد اقتصاد را به‌وسیله دسترسی به منابع، بازارهای خارجی و تکنولوژی تحت تأثیر قرار می‌دهد. کشورهایی که از درجه بازبودن اقتصادی بیشتری برخوردارند، رشد اقتصادی سریع‌تری را تجربه می‌کنند؛ ازاین‌رو گسترش تجاری و سیاست‌های گسترش رشد می‌تواند ناکارایی در فرایند تولید را کاهش داده و موجب تقویت رشد اقتصادی گردد. سیاست کاهش ارزش پول نیز یکی از سیاست‌هایی می‌باشد که باهدف بهبود وضعیت تراز تجاری یا جبران کسری تراز پرداخت‌ها از طریق افزایش صادرات و کاهش واردات اعمال می‌شود. مهم‌ترین معیار باز بودن تجاری، سهم تجارت می‌باشد که از نسبت مجموع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید.

امروزه تنظیم تراز پرداخت‌ها در همه کشورها متداول می‌باشد. در ایران نیز برای نخستین بار این جدول در سال ۱۳۲۵ توسط بانک ملی ایران تهیه شد، اما چندی بعد یعنی با تأسیس بانک مرکزی ایران در سال ۱۹۶۰ وظیفه تنظیم تراز پرداخت‌ها به این بانک محول گشت. بانک مرکزی هر سال از آن زمان تاکنون بر اساس راهنمای صندوق بین‌المللی پول، جدول تراز پرداخت‌های کشور را تنظیم و منتشر می‌کند. این جدول شامل تمام مبادلات اقتصادی ایران با خارج، یعنی معاملات پایاپای و معاملات مبتنی بر ارزش‌های

¹ Privatization

² Financial Liberalisation

³ Trade Liberalisation

مختلف و پول رایج کشور، می‌باشد. از طرف دیگر، با واژگونی سیستم برتون وودز^۱ و به دنبال آن گسترش آزادسازی اقتصادی، افق تراز پرداخت‌های بسیاری از کشورها به‌طور معنی‌داری تغییر یافت. وقوع شوک‌های نفتی در طول دهه ۱۹۷۰ در همه کشورها، تقریباً به افزایش عدم تعادل‌های تراز پرداخت‌ها منجر شد. همچنین تحرک سریع سرمایه در دنیا با افزایش تغییرات تراز پرداخت‌ها در تمام کشورها همراه بوده است. تراز پرداخت‌های ایران نیز فراز و نشیب‌های متعددی را پشت سر گذاشته است که همواره تحت تأثیر تحولات مثبت و منفی بازار جهانی نفت خام، نرخ ارز و تحولات در عرصه تجارت خارجی بوده است. به همین دلیل سیاست‌گذاران سعی در تشریح نوسانات و حرکات تراز حساب جاری جهت تعیین سطح مطلوب آن دارند و همچنین به دنبال تغییر جهت رسیدن به تعادل در تراز حساب جاری از طریق ابزارهای سیاستی هستند. علاوه بر این در طول دو دهه اخیر به علت عدم تعادل‌های بزرگ و ناگهانی جهانی در تراز پرداخت‌های کشورها، این مسئله اهمیت بیشتری برای سیاست‌گذاران و اقتصاددانان پیدا کرده است؛ لذا در مقاله حاضر به تجزیه و تحلیل بررسی اثر شوک‌های تراز پرداخت در رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه با روش GVAR طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۲۱ پرداخته می‌شود.

مطالعه حاضر به بررسی اثر شوک‌های تراز پرداخت در رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه با استفاده از الگوی GVAR پرداخته است. این مطالعه هم به لحاظ موضوعی و هم روش‌شناسی متفاوت با سایر مطالعات صورت گرفته قبلی می‌باشد.

براین اساس پس از مقدمه حاضر در ادامه در بخش دوم به بررسی و ارائه ادبیات و مبانی نظری تراز پرداخت‌ها و رشد و مطالعات صورت گرفته در این زمینه اشاره می‌گردد. بخش سوم مقاله به معرفی الگو، متغیرها و روش‌شناسی تخمین و تجزیه و تحلیل الگو می‌پردازد. در بخش چهارم به برآورد مدل و نتایج به دست آمده از مدل پرداخته و در نهایت بخش پنجم به ارائه نتایج و جمع‌بندی اختصاص یافته است.

مبانی نظری تحقیق

در این بخش، ابتدا پایه‌های نظری عدم تعادل تراز پرداخت‌ها و رشد اقتصادی ارائه می‌شود. در ادامه به پیشینه تجربی موجود در این زمینه‌ها اشاره می‌شود

¹ Bretton Woods System

الگوهای نظری تراز پرداخت‌ها

در طول تاریخ، الگوهای نظری اقتصادی بسیاری مانند دیدگاه‌های نئوکلاسیک، ریکاردویی و کینزی جهت تبیین کسری تراز پرداخت‌ها مطرح شده است. البته باگذشت زمان و وجود شرایط جدیدتر، الگوهای نظری پیچیده‌تر و کامل‌تر شدند؛ ازاین‌رو مبانی نظری موردنیاز جهت تبیین رفتار تراز پرداخت‌ها و سیاست‌گذاری اقتصادی به شیوه کامل‌تری به وجود آمد. براین‌اساس، وو (۲۰۱۸)، ینگ (۲۰۱۰) و چین و پراسد (۲۰۱۳) دو نکته را در اینجا قابل‌توجه می‌دانند. اول اینکه، اقتصاددانان درباره عوامل مؤثر و پیش‌بینی‌های کسری تراز پرداخت‌ها با یکدیگر توافق نظر ندارند. دوم اینکه، در صورت‌پذیرش اثر کسری‌های مالی بر بخش خارجی سازوکار آن به‌سادگی مشخص نیست، به‌صورتی که پیچیدگی‌های مربوط در صحنه عمل بیشتر از دیدگاه‌های نظری محض هستند. الگوهای نظری مربوط به کسری تراز پرداخت‌ها را به دو گروه اصلی می‌توان تقسیم نمود: گروه اول، الگوهایی هستند که از مبانی مستحکمی بر اساس تئوری‌های اقتصاد خرد بهره‌مند نیستند و بر اساس تئوری‌های اقتصاد کلان بنا شده که باگذشت زمان کامل‌تر شده و توسعه یافتند به‌صورتی که توان تشریح شرایط و تحولات جدید در اقتصاد را دارا می‌باشند. الگوهای گروه دوم، از مبانی نظری قوی‌تری در اقتصاد خرد برخوردار می‌باشند و مطابق رفتار بهینه‌یابی عوامل اقتصادی و باتوجه‌به قیود بین دوره‌ای استخراج شده‌اند. این الگوها طی سال‌های اخیر بیشتر موردتوجه محققین قرار گرفته‌اند و نسبت به الگوهای دسته اول، جدیدتر بوده‌اند.

تراز پرداخت‌ها و تولید

سطح تولید داخلی به دو روش بر حساب جاری تأثیرگذار می‌باشد. اول اینکه مطابق رویکرد کشش، واردات رابطه مثبت با تولید داخلی دارد درحالی‌که صادرات مستقل از تولید داخلی است. ازاین‌رو، افزایش در تولید ناخالص داخلی فقط واردات را افزایش خواهد داد و درنهایت بر حساب جاری تأثیر منفی خواهد داشت. همچنین، کشورهای با سطح تولید بالا، امکان جذب بالای سرمایه از خارج را دارند که این موضوع ارتباط مثبتی میان تولید داخلی و حساب سرمایه را برقرار می‌سازد؛ اما تأثیر آن بر حساب جاری منفی می‌باشد. دوم اینکه مطابق با رهیافت جذب، تغییرات در حساب جاری فقط ناشی از سطح تولید داخلی نیست بلکه می‌تواند به علت سطح جذب داخلی باشد. برای نمونه، چنانچه تولید داخلی افزایش یافته و افزایش آن سریع‌تر از سطح جذب داخلی باشد این موضوع حاکی از آن است که

در این وضعیت اقتصاد مستلزم صادرات بیشتر کالاها و خدمات به سایر کشورها می‌باشد. در این وضعیت تولید داخلی ارتباط مثبتی با تراز پرداخت‌ها دارد. (Mohseni, 2021).

تأثیر سطح تولید در دنیای خارج بر تراز پرداخت‌ها مشابه تحلیل تولید داخلی اما در جهت مخالف می‌باشد. این متغیر از دو کانال بر بازپرداخت تأثیر می‌گذارد. اول اینکه بر اساس رهیافت کشش، واردات از تولید خارجی مستقل می‌باشد. درحالی‌که صادرات با تولید خارجی دارای رابطه مثبت است. از این رو افزایش در تولید خارجی بر تراز پرداخت تأثیر مثبت خواهد داشت. افزون بر این اگر سطح تولید دنیای خارج بزرگ‌تر از سطح تولید داخل باشد در این صورت سرمایه‌گذاران داخلی به سرمایه‌گذاری بیشتری در دنیای خارج تمایل پیدا می‌کنند. چنین تحلیلی حاکی از وجود ارتباط مثبت میان تولید خارجی و تراز پرداخت‌ها می‌باشد. دوم اینکه مطابق با روش جذب، چنانچه تولید دنیای خارج سریع‌تر از جذب داخلی‌اش باشد در این صورت تقاضای آنان برای صادرات کالاها و خدمات اقتصاد ملی کاهش می‌یابد. در این حالت افزایش در تولید دنیای خارج بر صادرات اقتصاد ملی و تراز پرداخت‌ها اثر منفی دارد. (Mohseni, 2021).

در دیدگاه تاریخی به تجارت بین‌المللی و مراحل تکوین آن می‌توان بیان کرد که مبانی اولیه تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی، به اندیشه‌های قرن ۱۶ میلادی مکتب سوداگری برمی‌گردد. به‌طوری‌که بر اساس دیدگاه این مکتب تراز تجاری مثبت، موجب شکوفایی و رشد اقتصادی می‌شود. در ابتدای قرن ۱۸ طبق تبیین طبیعت‌گرایان تجارت خارجی زمانی که بتواند قیمت کالاها را کاهش دهد و کشاورزی را بالا نگه دارد مفید خواهد بود. بعد از طبیعت‌گرایان، نظریه کلاسیک‌ها، عمده‌ترین نظریه حامی اثر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی بوده است. تأکید آن‌ها بر این بود که توسعه تجارت بین‌الملل، باعث افزایش تخصص و کارایی در بخش‌های صادراتی شده و در نهایت موجب تخصیص مجدد منابع از بخش‌های تجاری می‌شود، که این موضوع می‌تواند به رشد تولید کمک نماید. اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک محور تفکر خود را جنبه‌های پویای تجارت را قرار ندادند، اما با در نظر گرفتن تأثیرات تجارت بر رشد و توسعه، هیچ تعارضی میان مطابقت یک کشور با مزیت نسبی‌اش و تسریع رشد آن مشاهده نکردند. در تبیین شومپیتر از رشد، فرصت‌ها و رویدادهای جدید عامل اصلی بهبود رشد می‌باشند که این رویدادها شامل معرفی روش جدید تولید، معرفی کالاها، جدید، دسترسی به منشأ جدید از عرضه مواد خام یا کالاها، نیمه ساخته، دسترسی به بازار جدید و برقراری سازمان جدیدی از صنعت

می‌شود. به‌طوری‌که تجارت آزاد به‌وسیله فراهم کردن شرایط فوق، اقتصاد را از دام رشد آهسته خارج کرده و به میزان بالاتری از رشد هدایت می‌کند. (Farhadi, 2002)

از سال ۱۹۹۰ رشد کشورها به‌طور قابل‌توجهی توسط تجارت ایجاد شده است که موجب ضرورت یافتن توسعه مبادلات تجاری می‌شود. هرچند که تجارت نمی‌تواند به‌تنهایی باعث ایجاد رشد اقتصادی شود، اما طی سال‌های اخیر بر اساس تجربه گسترش مبادلات تجاری نشان داده‌اند کشورهایی که به چرخه تجارت جهانی ورود پیدا می‌کنند، زمینه توسعه و رشد اقتصادی برای آن‌ها ایجاد می‌شود؛ زیرا از مزایای تجارت بهره‌مند خواهند شد (Kolbasi et al., 2004).

در این رابطه، نوسانات نرخ ارز و به دنبال آن افزایش ریسک ناطمینانی در معاملات بین‌المللی، از مهم‌ترین مخاطراتی می‌باشد که سرمایه‌گذاران خارجی با آن روبرو هستند. از این‌رو در روند ورود یا خروج سرمایه از کشور، نوسانات نرخ ارز نقش مهمی ایفا می‌کنند. به این معنی که با تحت تأثیر قراردادن سود حاصل از سرمایه‌گذاری، مانعی برای جذب جریان‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی به حساب می‌آید؛ زیرا سرمایه‌گذاران با رفتارهای تجاری خود، اکثر مواقع در هنگام شرایط ناطمینانی نرخ ارز، استراتژی‌های موردنیاز را برای آینده کشور نمی‌توانند تدوین کنند (Rashid & Waqar, 2017). همچنین تجارت خارجی یک کشور، مجموع صادرات و واردات آن کشور تعریف می‌شود. افزون بر تأثیر مستقیم تجارت بر درآمد و تولید کشورها، تجارت سبب تقویت و بهبود اقتصاد کشور میزبان از طریق اثرات سرریز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود (Kazerooni & Sajudi, 2008). از این‌رو تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با توجه به مکملی بودن رابطه بین آن‌ها، از طرق مختلف به رشد تولید ناخالص داخلی کشورها کمک می‌کنند، هرچند که از نقش‌های اقتصادی متفاوتی هم برخوردار می‌باشند؛ بنابراین، در صورتی که سرمایه‌گذار خارجی از مزیت نسبی در تولید محصولات برخوردار باشد، این موضوع سبب افزایش تولید می‌تواند بشود. در حقیقت، تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هر دو محرک اقتصاد جهانی می‌باشند و به تسهیل انتقال کالا، خدمات و جریان سرمایه کمک می‌کنند (Ishraghi, 2019). از این‌رو می‌توان به نقش مهم جریان‌های تجاری در کنار سایر بخش‌ها در جریان فرایند توسعه و رشد اقتصادی کشورها پی برد. تجارت در مواردی، ابزاری برای کنترل نوسانات قیمت در برابر کاهش و یا افزایش تقاضا به شمار می‌آید و می‌تواند عامل تعدیل‌کننده اقتصاد باشد و در مواردی، ابزاری برای کنترل نوسانات قیمت در برابر افزایش و یا کاهش تقاضا محسوب می‌شود.

برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹ مدل رشد مقید به تراز پرداخت‌ها مطرح شد. به‌طوری‌که بر رویکرد کینزی توجه می‌کند، به این معنی که بر اهمیت نقش تقاضای کل در فرایند رشد اقتصادی تأکید می‌شود. یکی از اجزای تقاضای کل در این مدل نقش صادرات می‌باشد. همچنین، در این مدل کشش درآمدی تقاضای واردات بر رشد اقتصادی اثرگذار می‌باشد. افزایش کشش درآمدی تقاضای واردات، موجب کاهش اثر ضریب افزایش صادرات می‌شود. از این‌رو، هر کشور، با مفروض بودن نرخ رشد صادرات و کشش درآمدی تقاضای واردات، رشد تولید ناخالص داخلی را دارد که با تراز حساب‌جاری در بلندمدت سازگار می‌باشد. (Cavand, 2015)

بر اساس تأکید ادبیات اقتصادی ارتباط متقابل بین تجارت بین‌الملل و رشد وجود دارد. دو مسئله اساسی در خصوص اثر رشد اقتصادی بر تجارت بین‌الملل وجود دارد که عبارت‌اند از الف) اثر رشد بر شرایط مبادله ب) اثر رشد - به‌وسیله تأثیر بر تجارت بین‌الملل - روی رفاه اقتصادی (Shun, 1992) در خصوص مسئله اول با فرض دارا بودن قابلیت‌های عوامل تولید و تکنولوژی مشخص و تغییرناپذیر برای هر کشور و همچنین با فرض سلیقه‌های مشخص و غیرقابل تغییر مردم، حال در صورتی که تکنولوژی بهبود پیدا کند و یا قابلیت‌های یک کشور از سمت عوامل تولید تغییر یابد، این تغییرات منجر به تغییر مکان منحنی امکانات تولید کشور می‌شود. همچنین تغییر در سلیقه مردم نقشه بی‌تفاوتی دیگری به دست می‌دهد. به‌طوری‌که کلیه این تغییرات بر روی رابطه مبادله و حجم تجارت تأثیرگذار می‌باشد.

رشد اقتصاد نیز متقابلاً از تجارت تأثیر می‌پذیرد. بررسی آثار تجارت بین‌الملل بر رشد اقتصادی از سه بعد اثر بر بازار، عوامل تولید و تخصیص مجدد صورت می‌گیرد. دو خط‌مشی از تجزیه و تحلیل آثار تجارت بین‌الملل بر مقادیر عرضه و عوامل تولید قابل استنباط می‌باشد: الف) تجارت بین‌الملل تمایل به حذف اختلاف قیمت عوامل تولیدی که امکان دارد میان کشورها موجود باشد، دارد. ب) تجارت بین‌الملل سبب افزایش نسبت‌های عوامل تولید موجود داخلی میان کشورها می‌شود. تغییرات مقدار عوامل تولید؛ توسط تغییرات قیمت آن که نتیجه تجارت بین‌الملل می‌باشد، صورت می‌پذیرد. به‌طوری‌که تغییر قیمت عوامل تولید بر این نکته دلالت ضمنی دارد که توزیع درآمد در داخل هر کشور تغییر خواهد کرد. بعضی از عوامل تولید پاداش و اجر بیشتری کسب خواهند کرد، هرچند که در عواید دیگران کاهش دیده می‌شود (Heller, 1991). میزان افزایش در رشد حاصل از تجارت، بستگی به میزان اتکای کشور به تجارت خارجی دارد. همچنین موفقیت استراتژی رشد کشورها به توفیقی بستگی خواهد

داشت که در ایجاد تأثیرپذیری ساختار تولید و مصرف داخلی از تغییر امکانات تجارت خارجی کسب کرده‌اند.

تراز پرداخت‌ها و سیاست پولی

در میان نظریات اقتصادی با توجه به ادبیات مربوط به عوامل تأثیرگذار بر تراز پرداخت‌ها اختلاف نظرهای اساسی و نظریات متفاوتی مطرح بوده است. نظریه نگرش پولی به تراز پرداخت‌ها یکی از این نظریات می‌باشد که در چارچوب عقاید کلاسیکی ارائه شده است.

بر اساس این دیدگاه علت اصلی بروز عدم تعادل، وجود عدم تعادل بین عرضه و تقاضای پول مطرح می‌شود. به طوری که هرگاه اقتصاد با کسری تراز پرداخت‌ها مواجه باشد، می‌تواند به وسیله یک سیاست پولی انقباضی بهبود یابد؛ زیرا از یک سو باعث افزایش نرخ بهره و کاهش مخارج و در نتیجه کاهش درآمد کل می‌شود و از این رو موجب کاهش واردات می‌شود و از سوی دیگر با کاهش قیمت‌های داخلی موجب افزایش صادرات و کاهش واردات می‌شود (Noferesti & Nowrozi, 2010).

نرخ ارز و تعادل تراز پرداخت‌ها

آگاهی از تغییرات نرخ ارز در بخش تجارت خارجی کشورها بخصوص برای کشورهای در حال توسعه که در پی بهبود تراز پرداخت‌های خود می‌باشند و آگاهی از اینکه تا چه میزان قیمت کالاهای تجاری صادراتی و وارداتی و غیرتجاری را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد می‌تواند بسیار مفید باشد (Mazini et al., 2004)؛ زیرا ثبات نرخ ارز حقیقی به علت تحت تأثیر قراردادن جریان ورود سرمایه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت مبتنی بر مزایای رقابتی، در توسعه اقتصادی کشورها بسیار تعیین کننده می‌باشد (Hemti et al., 2011).

بر اساس مبانی تجارت بین‌الملل سیاست کاهش ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز واقعی) از جمله سیاست‌های ارزی تعدیل کننده می‌باشد. بر اساس نظریه‌های اقتصادی با اجرای این سیاست، ارزش واردات کشور کاهش و ارزش صادرات افزایش می‌یابد. در نتیجه برآیند این دو اثر، باعث بهبود تراز پرداخت کشور مورد نظر خواهد شد. بر این اساس، انتظار می‌رود که یک ارتباط مستقیم بین تغییرات نرخ ارز و تراز پرداخت یک کشور وجود داشته باشد. در طی دهه ۱۹۸۰، کسری تراز پرداخت کشورهای بزرگی مانند آمریکا در پاسخ به کاهش شدید ارزش دلار پایداری قابل توجهی از خود نشان داد. در آن دوران دلیل این امر فراهم نشدن شرط مارشال - لرنر تصور می‌شد. در صورتی که بر اساس شواهد شرط

مارشال - لرنر در اکثر کشورها ایجاد شده بود و در این صورت، کاهش ارزش پول می‌بایست به سمت کاهش کسری تراز پرداخت‌ها و حرکت به سوی عدم تعادل عمل نماید. تحت چنین شرایطی برخی از اقتصاددانان باهدف یافتن دلیل قانع‌کننده‌ای جهت پایداری کسری تراز پرداخت کشورهای صنعتی، مخصوصاً آمریکا روابط اساسی میان نرخ ارز و قیمت کالاهای تجاری را که هم‌اکنون به آثار قیمتی تغییرات نرخ ارز شناخته می‌شود، بررسی نمودند (Andikaei et al., 2013).

به‌طورکلی دو رویکرد کلی جهت تمرکز بر رابطه متقابل تراز پرداخت و نرخ ارز مطرح است: الف) رویکرد شرط مارشال - لرنر و ب) رویکرد منحنی جی؛ به‌طوری‌که در رویکرد اول مطابق شرط مارشال - لرنر، در صورتی‌که مجموع کشش‌های واردات و صادرات، بزرگ‌تر از یک باشند، کاهش ارزش پول دارای تأثیر مثبتی بر تراز تجاری کشور است و در صورتی‌که مجموع این کشش‌ها کوچک‌تر از یک باشند، می‌توان با اعمال سیاست افزایش ارزش پول، تراز پرداخت را بهبود بخشید. به این ترتیب، در این رویکرد اثر کاهش ارزش پول بر تراز تجاری وابسته به میزان کشش‌های صادرات و واردات می‌باشد (Qatmiri et al., 2016). در رویکرد دوم، مطابق منحنی J شکل، انتظار می‌رود با کاهش ارزش پول داخلی در بلندمدت، تراز تجاری بهبود پیدا کند (بخش صعودی J)، درحالی‌که در کوتاه‌مدت این اتفاق نمی‌افتد و تراز تجاری دچار کاهش خواهد شد (بخش نزولی J)، در صورت تأیید وجود منحنی J شکل می‌توان گفت که در کوتاه‌مدت شرط مارشال - لرنر برقرار نبوده، درحالی‌که در بلندمدت برقرار می‌باشد (Mohammadi et al., 2012).

دو اثر قیمتی و اثر مقداری تغییر نرخ ارز بر روی تراز تجاری مطرح می‌شود. به‌طوری‌که اثر قیمت: این گونه مطرح می‌شود که صادرات بر حسب پول خارجی ارزان‌تر، و واردات بر حسب پول ملی گران‌تر، از این رو اثر قیمت باعث بدتر شدن تراز پرداخت کشور موردنظر می‌شود. بر اساس تبیین اثر مقدار: این حقیقت که صادرات ارزان‌تر می‌شود، سبب تشویق صادرات و افزایش حجم صادرات شده و این حقیقت که واردات گران‌تر می‌شود، باعث کاهش حجم واردات، و اثر مقدار، موجب بهبود تراز پرداخت‌ها می‌گردد. اثر خالص نیز بستگی به تسلط اثر مقدار یا اثر قیمت دارد. در نتیجه، تغییرات نرخ ارز به‌طور مستقیم، به‌وسیله قیمت‌های صادرات و واردات و به‌طور غیرمستقیم به‌وسیله عکس‌العمل حجم صادرات و واردات نسبت به تغییر قیمت‌های اسمی، موازنه تجاری اسمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Pedram et al., 2011).

پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر کسری بودجه و کسری تجاری و تأثیر آن‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی، مطالعات محدودی در اقتصاد ایران وجود دارد که می‌توان به برخی از آن‌ها به صورت زیر اشاره کرد.

پیشینه خارجی:

سلطانی و فیصل (۲۰۲۳)، به مطالعه تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی بر تراز پرداخت‌ها با شواهد تجربی از افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۴ الی ۲۰۲۰ پرداختند و از مدل تصحیح خطای برداری (VECM) و آزمون هم ادغام یوهانسن برای تجزیه و تحلیل برای بررسی BOP افغانستان استفاده کردند. به طور خاص، BOT و FDI به طور مثبت بر BOP تأثیر می‌گذارند، در حالی که تأثیر نرخ ارز بر BOP منفی است. با این حال، تورم تأثیر ناچیزی بر BOP دارد. اگرچه همه متغیرها در کوتاه مدت تأثیر ناچیزی بر BOP دارند، اقدامات سیاستی مربوطه باید بهبود در BOT، ارتقاء FDI و ثبات نرخ ارز را در نظر بگیرند تا اطمینان حاصل شود BOP و رشد اقتصادی هم زمان بهبود می‌یابند.

اوینکا و همکاران (۲۰۲۱)، به مطالعه عدم بازپرداخت‌های جهانی، تعدیل خارجی و شوک‌های منتشر شده: با چشم‌اندازی از آفریقا و با استفاده از یک مدل خودرگرسیون برداری جهانی (GVAR) پرداختند و برای این منظور از داده‌های ۴۷ کشور در مناطق مختلف، طی دوره ۴-۱۹۷۹ تا ۲-۲۰۱۶ استفاده کردند. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های نرخ ارز در ایالات متحده و چین برای فعالیت‌های اقتصادی و حساب‌های خارجی کشورهای آفریقایی به یک اندازه مهم هستند، با تغییرات نرخ ارز مؤثر واقعی چین (REER) که تأثیر بیشتری بر بازپرداخت‌های این کشورهای در حال توسعه دارد. اثرات شوک مثبت نفتی و افزایش نوسانات بازار مالی از طریق کانال‌های تجاری و مالی به کشورهای آفریقایی منتقل می‌شود، اما اثرات متمایز شوک قیمت نفت، عدم تعادل بازپرداخت بین صادرکنندگان نفت و بازارهای مرزی در آفریقا را عمیق‌تر می‌کند. کانال تجارت به عنوان مکانیسم اصلی انتقال این شوک‌های خارجی در نظر گرفته شده است، در حالی که نقش اثر ارزش گذاری که از طریق تغییرات REER انجام می‌شود، محدود و با توجه به شوک قیمت نفت ناچیز است.

آریزه و همکاران (۲۰۱۷)، در مطالعه خود به بررسی اثر نرخ ارز واقعی مؤثر روی تراز تجاری هشت کشور در حال توسعه آسیایی با استفاده از داده‌های فصلی سال‌های ۱-۱۹۸۰ الی ۴-۲۰۱۳ و روش‌های مختلف غیرخطی به ویژه مدل خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی غیرخطی (NARDL) پرداختند. نتایج این

تحقیق نشان می‌دهد که یک رابطه بلندمدت منحصربه‌فرد و معنی‌دار بین تراز پرداخت‌ها و نرخ ارز مؤثر واقعی در هر کشور وجود دارد. در هر مورد نرخ ارز مؤثر واقعی اثر کوتاه‌مدت نیز دارد. نتایج منطبق بر نظریه‌های اقتصادی است به گونه‌ای که در بلندمدت تضعیف واقعی ارزش پول در این کشورها تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌دهد و بنابراین شرط مارشال - لرنر در بلندمدت برقرار است.

بانرجی و همکاران (۲۰۱۷)، به بررسی هم‌زمان نرخ ارز واقعی بانرجی و دیگران و عوامل ساختاری روی تراز تجاری چین در برابر کشورهای طرف تجاری منتخب چین با استفاده از داده‌های سالیانه دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ و الگوی خودبازگشت برداری از نوع داده‌های تابلویی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که نرخ ارز واقعی و تغییرات ساختاری در ترکیب صادرات مؤلفه‌های اصلی برای ایجاد حرکت در تراز تجاری کشور چین هستند و افزایش نرخ ارز واقعی مازاد تجاری را کاهش می‌دهد.

بوسیر و همکاران (۲۰۱۲) تأثیر متغیرهای ایالات متحده را بر پویایی عدم تعادل تجارت جهانی در یک مدل GVAR و بین ۲۱ کشور و طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۷ بررسی کردند و دریافتند که یک شوک مثبت به دلار آمریکا باعث افزایش نرخ ارز در اکثر کشورهای منطقه آسیا و منطقه اروپا می‌شود و موجب کاهش ناچیز در کشورهای پیشرفته مانند انگلستان، سوئد، نروژ، ایتالیا و اسپانیا می‌شود. درحالی که همین شوک باعث افزایش صادرات خارجی در برخی از کشورهای منطقه اروپا و ژاپن می‌شود، اما تأثیر ناچیزی بر صادرات بیشتر کشورهای آسیایی دارد.

۲-۲-۲-پیشینه داخلی:

پور نقی و همکاران (۲۰۲۱)، به بررسی اثر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر نوسانات رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۹ با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری بدین منظور نوسانات سالیانه رشد اقتصادی با استفاده از الگوی نوسانات شرطی نمایی محاسبه و اثرات سه سیاست خصوصی‌سازی، آزادسازی تجاری و آزادسازی مالی بر آن سنجیده شد. نتایج این تحقیق نشان داد متغیرهای آزادسازی مالی دارای کمترین (۰/۶ درصد) و متغیر آزادسازی تجاری دارای بیشترین (۲۱ درصد) سهم بر تغییرات بی‌ثباتی رشد اقتصادی هستند. همچنین بررسی میزان واکنش بی‌ثباتی رشد نسبت به سیاست‌های تعدیل اقتصادی نشان می‌دهد که این سیاست‌ها با یکدیگر سازگار نیست؛ به‌طوری که سیاست آزادسازی تجاری موجب کاهش بی‌ثباتی و سیاست خصوصی‌سازی موجب افزایش بی‌ثباتی رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهد شد.

محسنی (۲۰۲۱)، به بررسی عوامل مؤثر بر تراز حساب جاری ایران: یک تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مبتنی بر رویکرد هم جمعی با استفاده از داده‌های فصلی ۹۵ - ۱۳۶۰ پرداختند. نتایج حاکی از وجود یک رابطه بلندمدت تعادلی معادله تراز حساب جاری و عوامل تعیین کننده آن می‌باشد که مطابق با انتظارات نظری است. در بلندمدت متغیرهای خالص دارایی‌های خارجی، درجه باز بودن اقتصاد و تولید داخلی اهمیت بالایی در تعیین رفتار تراز حساب جاری دارند. در کوتاه مدت نرخ ارز مؤثر حقیقی اثر ضعیفی در توضیح دهی تراز حساب جاری کشورهای منتخب دارد.

ابو نوری و خواجه‌زاده (۲۰۱۹)، به تحلیل تأثیر گسترش مالی و تجاری بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو اوپک طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۵ است. گسترش مالی با سه متغیر عمق مالی، اعطای تسهیلات بانکی به بخش دولتی و اعطای تسهیلات بانکی به بخش خصوصی اندازه‌گیری و طبق یافته‌ها، ضریب عمق مالی بر رشد اقتصادی ۰/۶۷-، ضریب اعطای تسهیلات بانکی بر بخش دولتی ۰/۹۹- و ضریب اعطای تسهیلات بانکی بر بخش خصوصی ۱/۲۸ درصد بر رشد اقتصادی تأثیرگذار می‌باشند. گسترش تجارت در کشورهای عضو اوپک برابر ۰/۱- بر رشد اقتصادی دارای آثار اندکی است. گسترش مالی بر رشد اقتصادی تنها در مورد اعطای تسهیلات بانکی به بخش خصوصی مثبت و معنادار است.

رجبیان و سلیمی فر (۲۰۱۴) ارتباط بین تراز تجاری غیرنفتی و نرخ ارز حقیقی را در کشورهای ایران و ترکیه با استفاده از روش ARDL طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۵۹ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد تغییرات تولید ناخالص داخلی در کوتاه مدت و بلندمدت به ترتیب اثرات منفی و مثبت بر تراز تجاری دارد.

اصغری‌پور و جامه شورانی (۲۰۱۴)، به تحلیل اثر رهیافت پولی بر تراز پرداخت‌ها در ایران پرداختند. در این مقاله با استفاده از اطلاعات سری زمانی سالانه و با استفاده از روش ARDL اثر رهیافت پولی بر تراز پرداخت‌ها برای ایران مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اگرچه رابطه بین نرخ رشد GDP با خالص ذخایر خارجی و همچنین رابطه نرخ بهره با خالص ذخایر خارجی منطبق بر رهیافت پولی تراز پرداخت‌ها است و مقامات پولی از کانال‌های مذکور می‌توانند بر تراز پرداخت‌ها اثرگذار باشند، لیکن رهیافت پولی به تراز پرداخت‌ها برای ایران طی دوره مورد بررسی صدق نمی‌کند و از این رو تراز پرداخت‌ها در ایران صرفاً یک پدیده پولی نیست، بنابراین عدم تعادل تراز پرداخت‌ها تنها به وسیله اقدامات مقامات پولی اصلاح نمی‌شود.

حیدری، صالحی نژاد و فیضی (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای به تحلیل واکنش تراز تجاری ایران نسبت به تغییرات نرخ ارز با استفاده از رویکرد پارامتر زمان - متغیر طی دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۹ با استفاده از روش پارامتر زمان -

متغیر (TVP) و رهیافت فیلتر کالمن پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد، ضرایب تراز تجاری به‌عنوان کشش‌های قیمتی و درآمدی در طول زمان از روند ثابتی برخوردار نیستند. تغییرات ساختاری مانند وقوع انقلاب اسلامی، جنگ، شوک‌های قیمتی نفت و سیاست‌های اقتصادی اعمال شده ازجمله عواملی هستند که ضرایب را تحت تأثیر قرار داده‌اند. با مقایسه روند نرخ ارز واقعی و کشش قیمتی تراز تجاری مشاهده می‌شود که هم‌زمان با افزایش نرخ ارز واقعی طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۴۷ و ۱۳۶۲-۱۳۵۶، کشش قیمتی تراز تجاری مثبت است و با کاهش نرخ ارز واقعی کشش قیمتی تراز منفی می‌شود.

دژپسند و گودرزی (۲۰۰۸)، به بررسی تأثیر کاهش ارزش پول بر تراز پرداخت‌های ایران پرداختند. در این مقاله شرط مارشال لرنر در ایران با استفاده از یک مدل سری زمانی و یک مدل تلفیقی موردبررسی قرار می‌گیرد. نتایج بررسی شرط مارشال لرنر توسط مدل سری زمانی برقراری شرط مارشال لرنر در ایران در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأیید نمی‌کند. همچنین بررسی شرط مارشال لرنر با استفاده از داده‌های تلفیقی نیز برقراری شرط مارشال لرنر در ایران را تأیید نمی‌کند.

عمده تمرکز مطالعات قبلی بر اثر نرخ ارز در تراز تجاری کشورها و یا جریان تراز تجاری و سیاست‌های پولی و یا دیگر عوامل تأثیرگذار بر تراز جاری پرداخته‌اند. با مشاهده تعداد محدود مطالعات تجربی صورت‌گرفته در حوزه بازپرداخت و رشد اقتصادی و تأثیر شوک‌های وارده، مشخص می‌شود که این حوزه از تراز پرداخت‌ها کمتر موردتوجه قرار گرفته است. از طرفی هیچ مطالعه داخلی از روش GVAR استفاده نکرده است؛ لذا مطالعه حاضر به بررسی اثر شوک‌های تراز پرداخت در رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه با استفاده از الگوی GVA پرداخته است. این مطالعه هم به لحاظ موضوعی و هم روش‌شناسی متفاوت با سایر مطالعات صورت‌گرفته قبلی می‌باشد.

روش‌شناسی

مطالعه حاضر به بررسی اثر شوک‌های تراز پرداخت در رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۲۱ با استفاده از روش GVAR پرداخته است. داده‌های موردنیاز با لحاظ لگاریتم به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای از سایت بانک جهانی استخراج شده است.

مدل بر اساس مطالعات تجربی اویانکا و همکاران (۲۰۲۱) اقتباس شده است. به این صورت که شوک‌های تراز پرداخت‌ها، موجودی حساب سرمایه، شاخص قیمت مصرف‌کننده، نرخ ارز و سرمایه‌گذاری خالص خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب خاورمیانه موردبررسی قرار گرفته است.

جدول (۱): متغیرهای پژوهش

نام	متغیر
تراز پرداخت‌ها	مستقل
موجودی حساب سرمایه	مستقل
شاخص قیمت مصرف‌کننده	مستقل
نرخ ارز	مستقل
سرمایه‌گذاری خارجی	مستقل
رشد اقتصادی	وابسته

روش جی و رهیافت نسبتاً ساده اما مؤثر برای مدل‌سازی پیوند بین کشورها و یا مقاطع مختلف ارائه می‌نماید (Chudik & Pesaran, 2016). مدل جی و در تحلیل‌های بین مقاطع یکی از مناسب‌ترین روش‌ها به شمار می‌رود؛ چراکه وابستگی‌های متقابل و سرریز شوک‌ها بین مناطق در اقتصاد جهانی را با مرتبط کردن متغیرهای داخلی هر کشور در نظر می‌گیرد. در ادامه به اختصار این روش اقتصادسنجی بر اساس مطالعات (Dees & et al., 2007) و (Pesaran et al., 2004) تشریح می‌شود. به‌طور معمول یک مدل جی و از مجموعه VAR های انفرادی تشکیل می‌شود که با استفاده از ماتریس پیوند و انتخاب یک مقطع به‌عنوان مقطع مرجع یا هسته^۱ محاسبه می‌شود. مدل‌های و و انفرادی به‌صورت زیر تصریح می‌شود:

$$x_{it} = \beta_{i0} + \beta_{i1}t + \sum_{j=1}^{p_i} \varphi_{ij}x_{it-j} + \sum_{j=1}^{q_i^*} \psi_{ij}x_{it-j}^* + \sum_{j=1}^{g_i} \Gamma_{ij}d_{t-j} + \varepsilon_t \quad (1)$$

برای $t = 1, 2, \dots, T$ جایی که β_{i0} و β_{i1} بردارهای $1 \times K$ با ضرایب ثابت و ترتیب روند زمانی قطعی با فرض برون‌زا بودن متغیرها می‌باشد. φ_{ij} و ψ_{ij} و Γ_{ij} بردار $K_i \times K_m$ و $K_i^* \times K_i^*$ و $K_i \times K_i$ وقفه تأخیری ضرایب مرتبط با متغیرهای داخلی، خارجی و جهانی می‌باشد. ε_t جمله اخلاص با میانگین صفر و ماتریس کوواریانس غیر منفرد می‌باشد. در این مدل به ازای هر

^۱ با توجه به اینکه تراز پرداخت کشور عربستان نسبت به سایر کشورها از رقم بالاتری برخوردار بوده است این کشور به عنوان کشور هسته انتخاب شده است.

مقطع مجموعه‌ای از متغیرهای خارجی به‌عنوان میانگین وزنی تعریف می‌شود که در این مطالعه تراز پرداخت کشورها به‌عنوان ماتریس وزنی تعریف و محاسبه شده است. در این الگو ابتدا هر متغیر درون‌زا در یک مجموعه معادلات به روش حداقل مربعات معمولی بر روی وقفه‌های خود و وقفه‌های سایر متغیرهای درون‌زا تخمین زده می‌شود. معمولاً برای تعیین میزان وقفه بهینه از معیارهای مختلفی همچون آکائیک^۱، شواتز بیزین^۲ و هنان کوئین^۳ استفاده می‌شود. لذا بر اساس رابطه (۲):

$$x_{it}^* = \sum_{j=0}^{N=13} w_{i,j} x_{i,j} \quad \text{for } i, j = 1, 2, \dots, N \quad (2)$$

رابطه (۲) تراز پرداخت کشورهای مورد مطالعه طی سال‌های ۱۹۸۰ - ۲۰۲۱ را نشان می‌دهد. در قدم نهایی تمام متغیرهای داخلی و خارجی کنار هم لحاظ می‌شود تا پویایی برآورد در نظر گرفته شود. لذا مدل به صوت زیر بازنویسی می‌شود.

$$A_i z_{it} = a_{i0} + a_{i1} + B_i z_{it-1} + \Gamma_{i,0} d_t + \Gamma_{i,1} d_{t-1} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

جایی که $z_{i,t} = x_{i,t}^* x_{i,t}'$ برای هر مقطع، $A_i = (I - \psi_{i0})$ و $\beta_i = (\varphi_i \psi_{i1})$ و β_i و A_i ماتریس $(K_i + K_i^*) * K_i$ و A_i رتبه ردیف کامل داشته و رتبه A_i برابر K_i می‌باشد. قدم بعدی ترکیب مدل‌های هر مقطع برای به دست آوردن مدل جهانی می‌باشد.

$$z_{i,t} = w_i x_t \quad \text{for } \forall i = 0, 1, \dots, 13 \quad (4)$$

¹ AIC² SIC³ HQ

جایی که w_i ماتریس وزنی کشورها $K_i * (K_i + K_i^*)$ رابطه زیر استخراج می‌شود.

$$A_i w_i x_{it} = a_{i0} + a_{i1} + B_i w_i x_{i-1} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

جایی که $A_i w_i$ و $B_i w_i$ ماتریس $(k_i + k)$ می‌باشد. $A_i w_i$ و $B_i w_i$ ماتریس تمام کشورها می‌باشد که در مدل جی و ر استفاده می‌شود.

$$G_0 x_t = a_0 + a_{1t} + H x_{t-1} + \varepsilon_t \quad (6)$$

جایی که $a_0 = (a_{00}, \dots, a_{N0})'$,

$$(a_{01}, \dots, a_{N1})', G = ((A_0 W_0)', \dots, (A_N W_N)'), H = ((B_0 W_0)', \dots, (B_N W_N)').$$

مدل خود رگرسیون برداری به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$x_t = G^{-1} a_0 + G^{-1} a_{1t} + G^{-1} H x_{t-1} + G^{-1} \varepsilon_t \quad (7)$$

فرم کاهش یافته رابطه بالا:

$$x_t = b_0 + b_{1t} + f x_{t-1} + u_t \quad (8)$$

f ماتریس $K * K$ ، تابع واکنش با ماتریس کوواریانس $\Sigma_\mu = E(U_i U_i')$ با در نظر گرفتن پایه‌های نظری، به لحاظ تجربی مدل جی و ر مدل نهایی VEC را برآورد می‌کند و میان مقاطع مختلف ارتباط ایجاد می‌نماید.

$$x_{it} = \beta_{i0} + \beta_{i1}t + \sum_{j=1}^{p_i} \varphi_{ij}x_{it-j} + \sum_{j=1}^{q_i^*} \psi_{ij}x_{it-j}^* + \sum_{j=1}^{g_i} \Gamma_{ij}d_{t-j} + \pi_i(L, u_i) + \varepsilon_u \quad (9)$$

جایی که $\pi_i(L, u_i)$ برابر $\sum_{i=0}^{u_i} \pi_i L^i$ ماتریس چندجمله‌ای از ضرایب مرتبط با متغیرهای جهانی می‌باشد.

$$\omega_t = \mu_0 + \mu_{1t} + \varphi_1 \omega_{t-1} + \varepsilon_t \quad (10)$$

جایی که ω_t یک بردار $1 \times k_i$ می‌باشد؛ و بخش میانگین بین مقاطع به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\omega_t = \sum_{l=1}^{p_\omega} \varphi_{\omega l} \omega_{t-l} + \sum_{l=1}^{p_w} \psi_{\omega l} x_{i,t-l}^* + \eta_{\omega t} \quad (11)$$

لذا دو معادله جی و ر محاسبه می‌شود x_{it} معادله مختص هر مقطع، بردار متغیرهای خارجی مربوط به کشور خاص.

$$x_{it} = [y_{it}, rer_{it}, sr_{it}, ca_{it}, nfa_{it}]^i \text{ and } x_{it}^* = [y_{it}^*, sr_{it}^*, rer_{it}^*, ca_{it}^*, nfa_{it}^*]^i \quad (12)$$

یافته‌ها

در این بخش به گزارش نتایج تجربی بررسی اثر شوک‌های تراز پرداخت در رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۲۱ با استفاده از روش GVAR، به گزارش نمودارهای واکنش پرداخته می‌شود.

اولین اصل در برآورد مدل رگرسیونی بررسی مانایی متغیرها است. طبق نظریه هم جمعی در اقتصادسنجی، لازم است برای اجتناب از مشکل رگرسیون کاذب در تحلیل رگرسیون، ابتدا نسبت به مانایی متغیرها اطمینان حاصل کرد. بدین منظور، متغیرهای موردبررسی در این مطالعه با استفاده از آزمون ریشه واحد

دیکی - فولر تعمیم یافته (ADF) مورد آزمون قرار می‌گیرند و درجه انباشتگی آن‌ها مشخص می‌شود، در جدول (۱) این نتایج ارائه شده است.

جدول (۲): نتیجه آزمون ریشه واحد دیکی - فولر

کشورها	متغیرها	آماره آزمون	سطح معناداری	درجه انباشتگی
بحرین	موجودی حساب جاری (CA)	-۲/۸۹	۰/۰۵۴	ایستا با یکبار تفاضل گیری
	شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	-۳/۱۶	۰/۰۲۹	ایستا با یکبار تفاضل گیری
	نرخ ارز (ER)	-۲/۶۰	۰/۰۰۰	ایستا در سطح
	رشد اقتصادی (GDP)	-۵/۰۰۱	۰/۰۰۰۲	ایستا با یکبار تفاضل گیری
	سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	-۶/۲۸	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
	تراز پرداخت‌ها (TB)	-۳/۲۰	۰/۰۲۶	ایستا در سطح
قبرس	موجودی حساب جاری (CA)	-۴/۷۵	۰/۰۰۰	ایستا در سطح
	شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	-۲/۶۰	۰/۰۰۰	ایستا در سطح
	نرخ ارز (ER)	-۵/۰۲	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
	رشد اقتصادی (GDP)	-۲/۹۳	۰/۰۰۴	ایستا در سطح
	سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	-۴/۹۹	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
	تراز پرداخت‌ها (TB)	-۴/۲۹	۰/۰۰۱	ایستا در سطح
عراق	موجودی حساب جاری (CA)	-۲/۸۸	۰/۰۵۵	ایستا در سطح
	شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	-۳/۶۷	۰/۰۰۸	ایستا با یکبار تفاضل گیری
	نرخ ارز (ER)	-۳/۷۲	۰/۰۰۷	ایستا در سطح
	رشد اقتصادی (GDP)	-۸/۸۴	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
	سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	-۱۰/۲۵	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
	تراز پرداخت‌ها (TB)	-۲/۸۹	۰/۰۵۴	ایستا در سطح
ایران	موجودی حساب جاری (CA)	-۳/۸۵	۰/۰۰۵	ایستا در سطح

شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	-۳/۱۴	۰/۰۳۱	ایستا با یکبار تفاضل گیری
نرخ ارز (ER)	-۲/۹۶	۰/۰۴۷	ایستا در سطح
رشد اقتصادی (GDP)	-۵/۶۸	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	-۶/۱۵	۰/۰۰۰	ایستا در سطح
تراز پرداخت‌ها (TB)	-۰/۶۹	۰/۰۰۷	ایستا در سطح
موجودی حساب جاری (CA)	-۸/۴۶	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	-۹/۷۷	۰/۰۰۰	ایستا در سطح
نرخ ارز (ER)	-۵/۸۴	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
رشد اقتصادی (GDP)	-۶/۳۲	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	-۴/۰۶	۰/۰۰۲	ایستا با یکبار تفاضل گیری
تراز پرداخت‌ها (TB)	-۷/۲۱	۰/۰۰۰	ایستا با یکبار تفاضل گیری
موجودی حساب جاری (CA)	-۴/۱۲	۰/۰۰۲	ایستا در سطح
شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	-۳/۸۱	۰/۰۰۵	ایستا با یکبار تفاضل گیری
نرخ ارز (ER)	-۴/۷۵	۰/۰۰۰	ایستا در سطح
رشد اقتصادی (GDP)	-۴/۱۳	۰/۰۰۲	ایستا با یکبار تفاضل گیری
سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	-۴/۶۱	۰/۰۰۰۵	ایستا در سطح
تراز پرداخت‌ها (TB)	-۴/۷۳	۰/۰۰۰۴	ایستا در سطح
موجودی حساب جاری (CA)	-۲/۵۸	۰/۰۰۰	ایستا در سطح
شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	-۲/۸۰	۰/۰۶۸	ایستا با یکبار تفاضل گیری
نرخ ارز (ER)	-۵/۰۵	۰/۰۰۰۲	ایستا در سطح
رشد اقتصادی (GDP)	-۳/۰۹	۰/۰۳۵	ایستا با یکبار تفاضل گیری
سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	-۴/۷۰	۰/۰۰۰۷	ایستا با یکبار تفاضل گیری
تراز پرداخت‌ها (TB)	-۶/۴۰	۰/۰۰۰	ایستا در سطح

رژیم اشغالگر
قدس

کویت

مصر

ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۶/۱۸	موجودی حساب جاری (CA)	عمان
ایستا در سطح	۰/۰۰۹	-۳/۶۲	شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۵/۶۰	نرخ ارز (ER)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۶/۳۶	رشد اقتصادی (GDP)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۴/۶۱	سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	
ایستا در سطح	۰/۰۷۴	-۲/۷۵	تراز پرداخت‌ها (TB)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۶/۲۸	موجودی حساب جاری (CA)	قطر
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۴۲	-۳/۰۲۷	شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۴/۶۲	نرخ ارز (ER)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۱۰	-۳/۵۶	رشد اقتصادی (GDP)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۴/۶۱	سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۶/۰۵۶	تراز پرداخت‌ها (TB)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۵/۵۵	موجودی حساب جاری (CA)	عربستان سعودی
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۲۹	-۳/۱۶	شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۲/۶۰	نرخ ارز (ER)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۵/۰۰۱	رشد اقتصادی (GDP)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۶/۲۸	سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	
ایستا در سطح	۰/۰۷۷	-۲/۷۳	تراز پرداخت‌ها (TB)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۶/۸۲	موجودی حساب جاری (CA)	سوریه
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۶/۴۳	شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۱	-۳/۴۶	رشد اقتصادی (GDP)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۶/۰۴	سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۱۱/۸۷	تراز پرداخت‌ها (TB)	

ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۶/۴۹	موجودی حساب جاری (CA)	ترکیه
ایستا با دوبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۵/۶۷	شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۶/۶۰	رشد اقتصادی (GDP)	
ایستا در سطح	۰/۰۸	-۲/۷۱	سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۵/۴۹	تراز پرداخت‌ها (TB)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۴/۵۳	موجودی حساب جاری (CA)	یمن
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۵/۹۹	شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۵/۵۶	نرخ ارز (ER)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۶/۱۵	رشد اقتصادی (GDP)	
ایستا با یکبار تفاضل گیری	۰/۰۰۰	-۷/۰۵	سرمایه گذاری خالص خارجی (NF)	
ایستا در سطح	۰/۰۰۰	-۴/۵۱	تراز پرداخت‌ها (TB)	

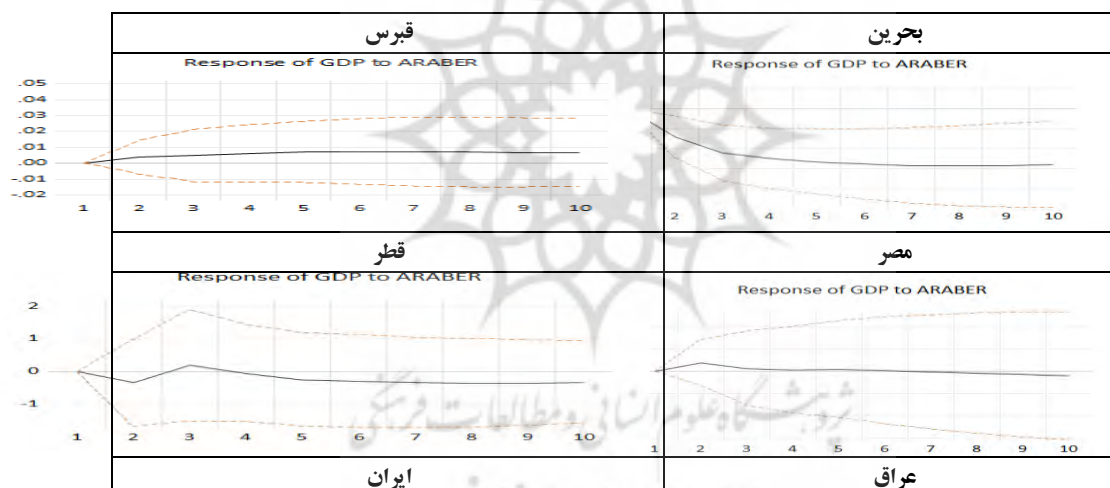
سپس به تعیین وقفه بهینه با توجه به معیارهای تعیین وقفه‌های بهینه پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه بازه زمانی مورد مطالعه ۴۱ سال است، لذا تعیین وقفه بهینه با معیار شوارتز انجام می‌گیرد. نتایج تعیین وقفه‌ها در جدول (۳) برای تمام کشورها گزارش می‌شود.

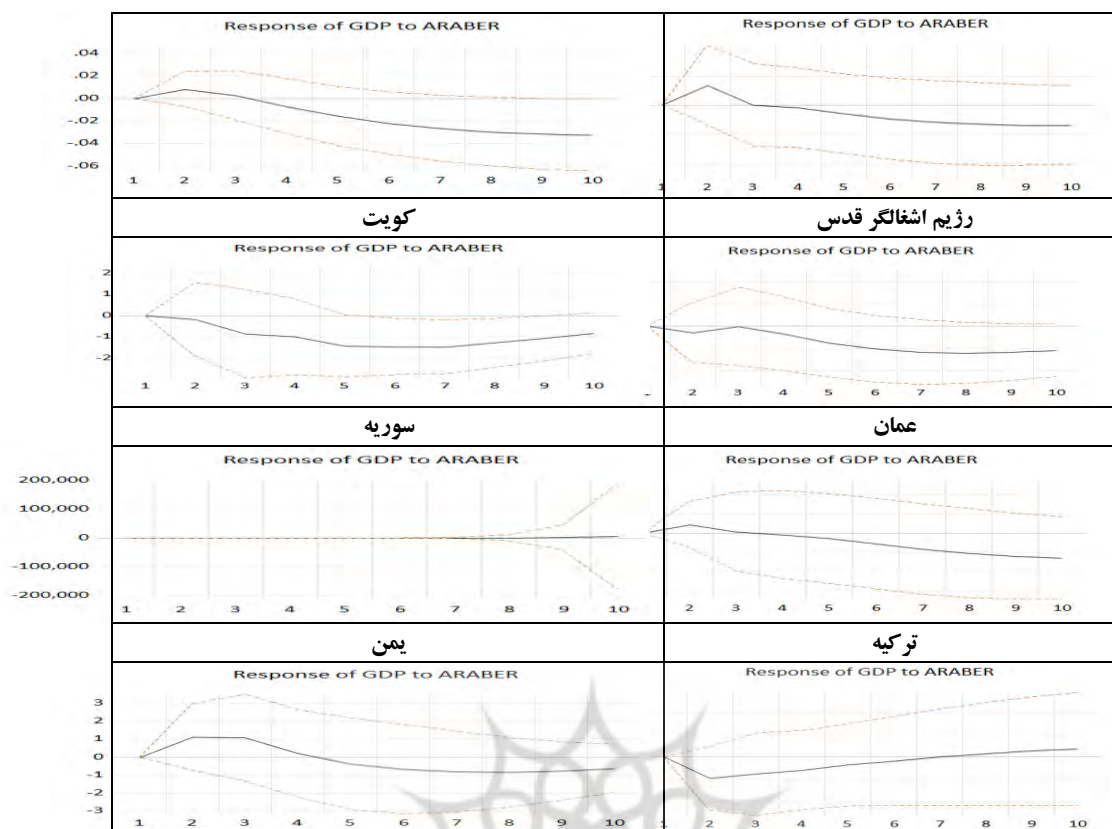
جدول (۳): نتایج بهینه یابی وقفه‌ها

معادله	وقفه بهینه	SC
بحرین	اول	-۲/۸۴
قبرس	اول	-۷/۲۷
عراق	اول	۹/۳۴
ایران	اول	۲/۱۵
رژیم اشغالگر قدس	اول	۱۲/۰۸
کویت	دوم	۷/۳۵
مصر	اول	-۱/۰۱
عمان	دوم	۱۵/۴۹

قطر	اول	۸/۰۹
عربستان سعودی	اول	۱۱/۳۹
سوریه	اول	۱۹/۴۴
ترکیه	اول	۱۰/۶۵
یمن	اول	۱۵/۲۲

جدول (۴) نمودارهای واکنش رشد اقتصادی کشورها نسبت به تغییرات نرخ ارز را نشان می‌دهد. باتوجه به این نمودارها، رشد اقتصادی کشور قبرس نسبت به تغییرات نرخ ارز بهبود یافته است. رشد اقتصادی کشورهای بحرین و کویت نسبت به تغییرات نرخ ارز واکنش کاهشی داشته‌اند. به این مفهوم که رشد اقتصادی کشورهای مذکور (بحرین و کویت) به ازای افزایش نرخ ارز بهبودی نداشته‌اند. رشد اقتصادی کشورهای قطر، مصر، ایران، عراق، رژیم اشغالگر قدس، عمان، یمن و ترکیه نسبت به تغییرات نرخ ارز دچار نوسان بوده‌اند. رشد اقتصادی کشور سوریه نیز نسبت به تغییرات نرخ ارز واکنشی نداشته است. ثبات نرخ ارز حقیقی به علت تأثیر قراردادن جریان ورود سرمایه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت مبتنی بر مزایای رقابتی، در توسعه اقتصادی کشورها بسیار تعیین کننده می‌باشد.

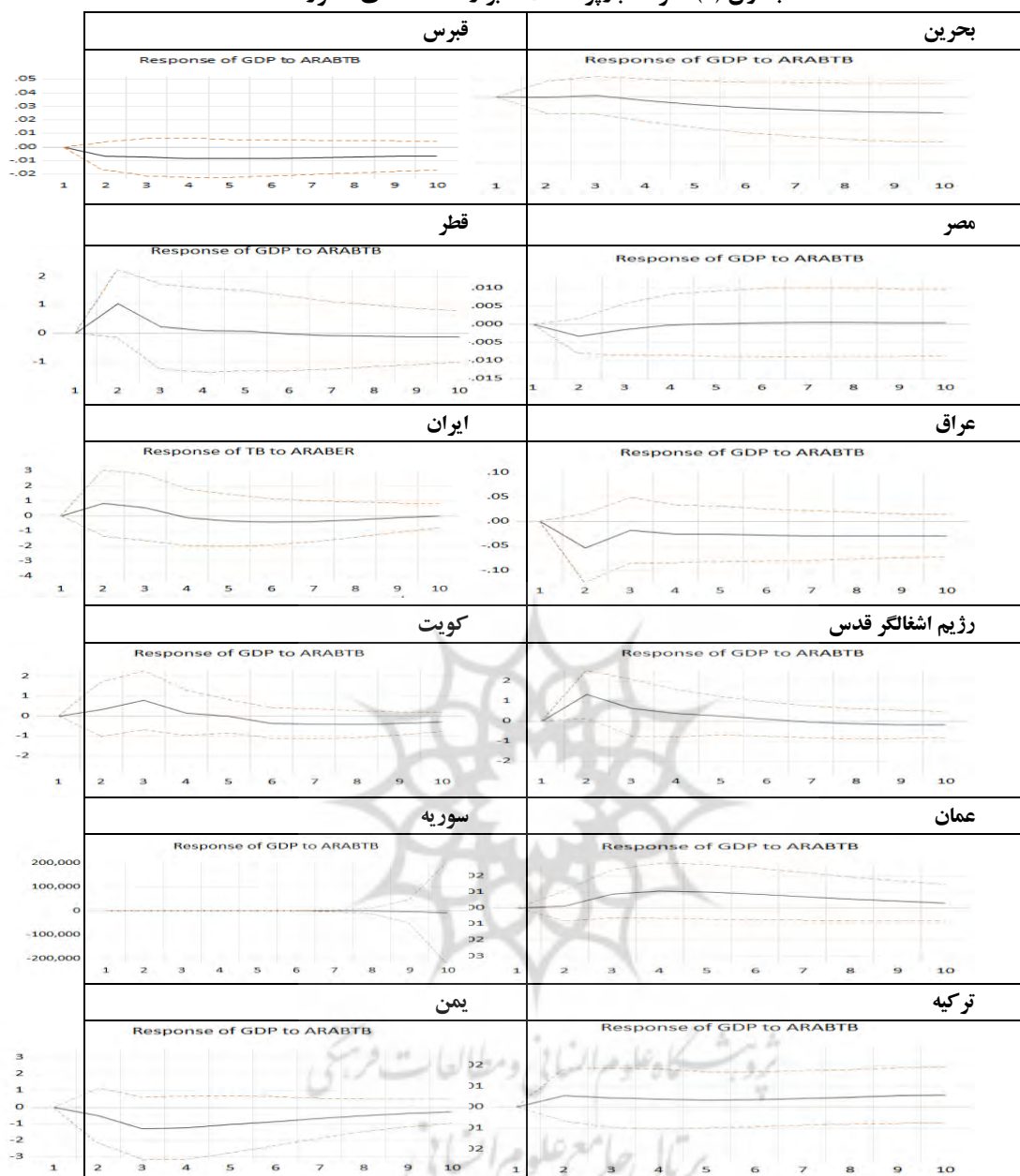




جدول (۴): شوک نرخ ارز به رشد اقتصادی کشورها

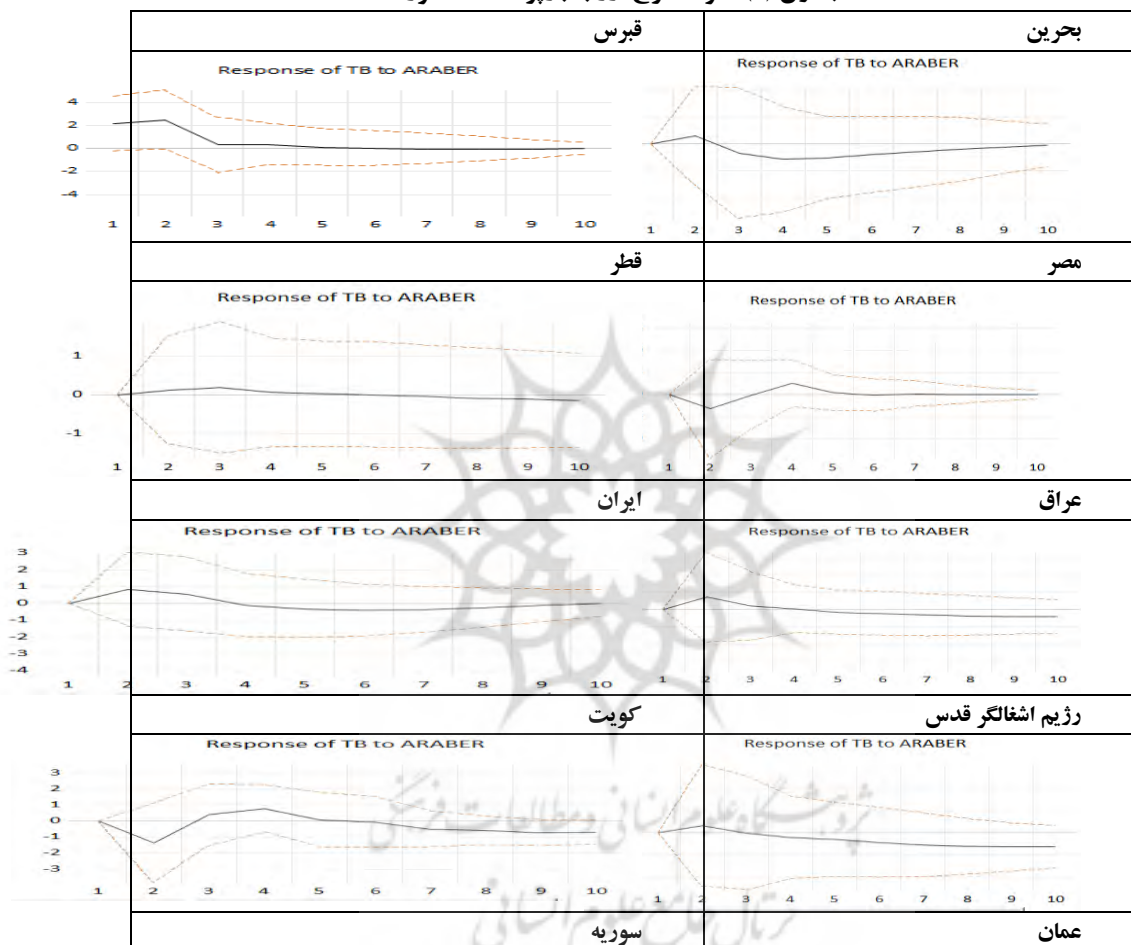
باتوجه به نمودارهای جدول (۵) که واکنش رشد اقتصادی کشورها نسبت به تغییرات تراز پرداخت را نشان می‌دهند؛ می‌توان بیان کرد رشد اقتصادی کشورهای قبرس، مصر و یمن نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها ابتدا واکنش کاهشی داشته سپس بهبود یافته است. (اما نمی‌توان گفت که لزوماً در بلندمدت به صفر میل خواهد کرد زیرا به شوک‌ها و نوسانات دیگر بستگی خواهد داشت.) رشد اقتصادی کشورهای بحرین، رژیم اشغالگر قدس و قطر نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها ابتدا بهبود یافته سپس واکنش کاهشی داشته‌اند. رشد اقتصادی کشورهای ایران، عراق، کویت، عمان و ترکیه نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها دچار نوسان بوده‌اند که طی چهار دوره اول بیشتر این شوک‌ها بیشتر بوده و نوسانات نیز در این ۴ دوره بیشتر بوده است و در نهایت رشد اقتصادی کشور سوریه نسبت به تغییرات تراز پرداخت واکنشی نداشته است.

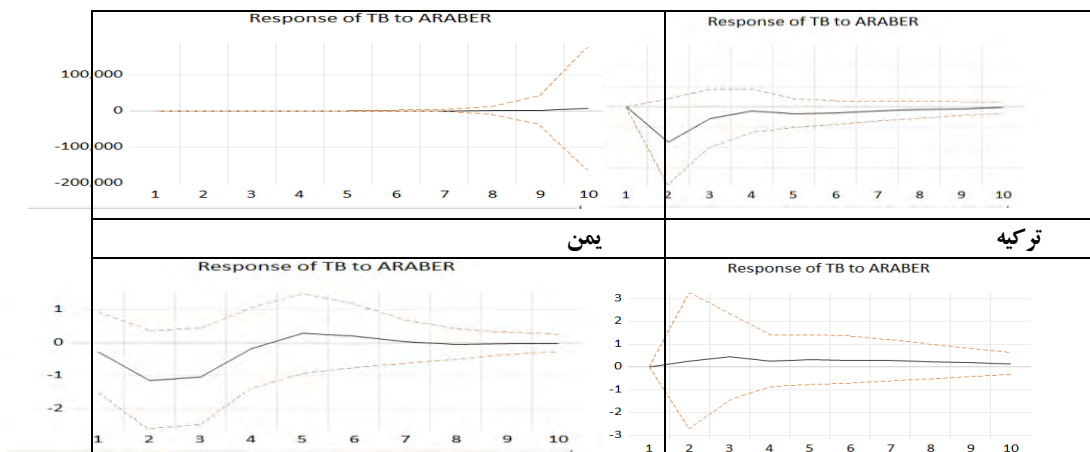
جدول (۵): شوک بازپرداخت‌ها بر رشد اقتصادی کشورها



باتوجه به نمودارهای جدول (۶) که واکنش تراز پرداخت کشورها نسبت به تغییرات نرخ ارز را نشان می‌دهند؛ می‌توان بیان کرد تراز پرداخت کشورهای عراق، رژیم اشغالگر قدس و قطر نسبت به تغییرات نرخ ارز ابتدا بهبود یافته سپس واکنش کاهشی داشته‌اند. تراز پرداخت کشورهای ایران، کویت، عمان، قبرس، بحرین، ترکیه و یمن نسبت به تغییرات نرخ ارز دچار نوسان بوده‌اند و در نهایت تراز پرداخت کشور سوریه نسبت به تغییرات نرخ ارز واکنشی نداشته است.

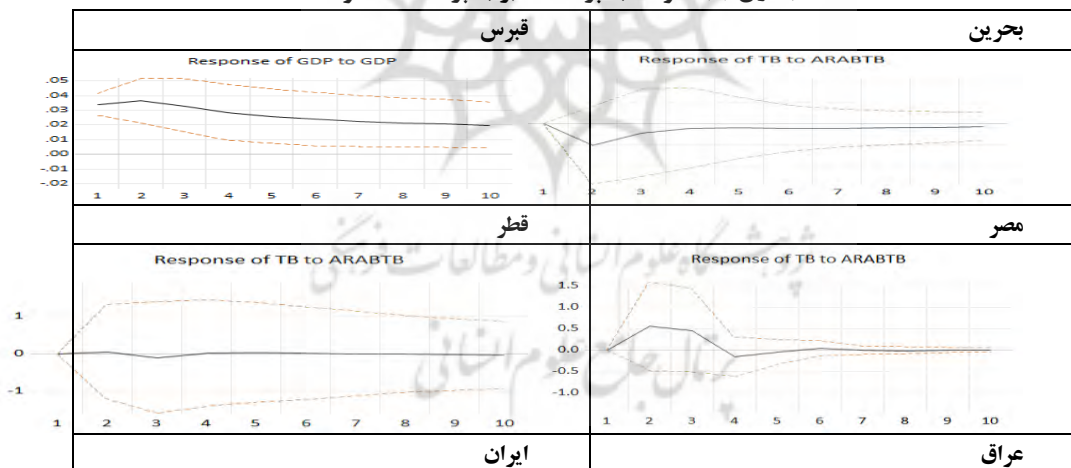
جدول (۶): شوک نرخ ارز به بازپرداخت کشورها

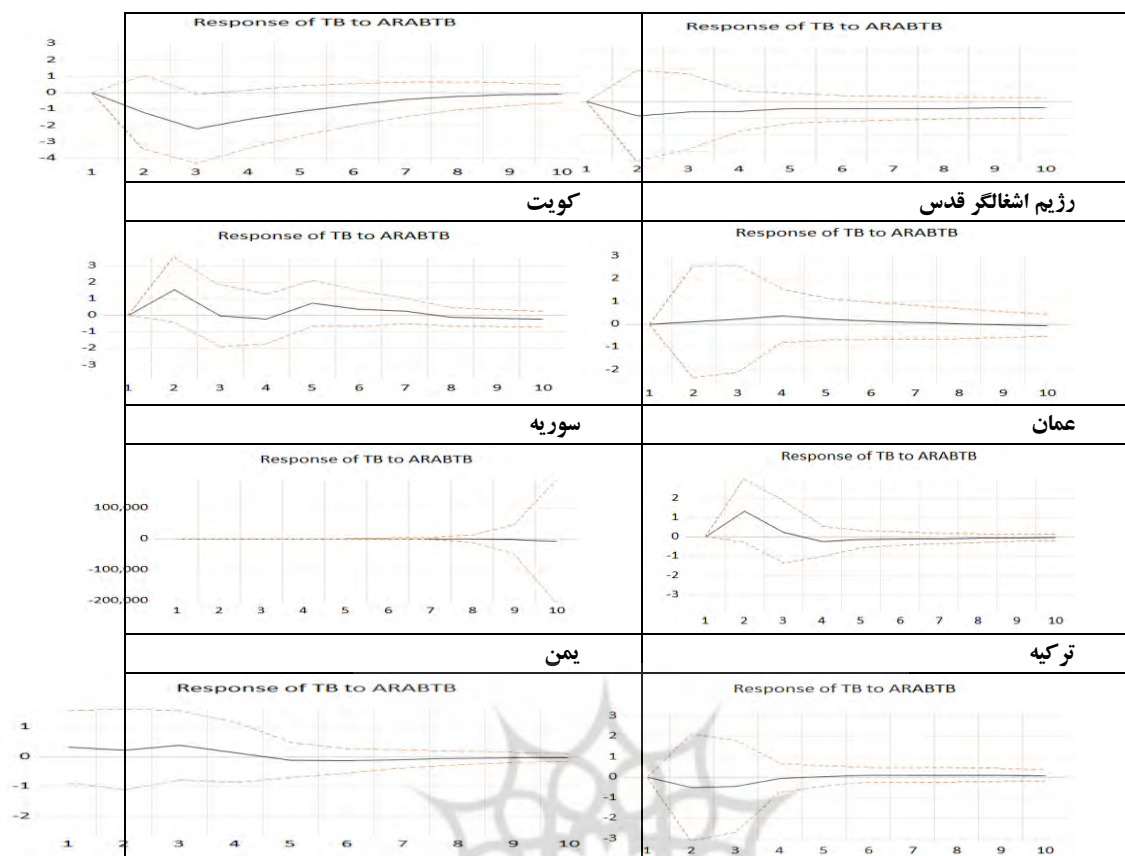




باتوجه به نمودارهای جدول (۷) که واکنش تراز پرداخت کشورها نسبت به تغییرات تراز پرداخت را نشان می‌دهند؛ می‌توان بیان کرد تراز پرداخت کشورهای بحرین، عراق و ایران نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها ابتدا واکنش کاهشی داشته سپس بهبود یافته است. تراز پرداخت کشورهای قبرس و رژیم اشغالگر قدس نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها ابتدا بهبود یافته سپس واکنش کاهشی داشته‌اند. تراز پرداخت کشورهای مصر، قطر، یمن، کویت، عمان و ترکیه نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها دچار نوسان بوده‌اند و در نهایت تراز پرداخت کشور سوریه نسبت به تغییرات تراز پرداخت واکنشی نداشته است.

جدول (۷): شوک بازپرداخت بر بازپرداخت کشورها





بحث، نتیجه و پیشنهادها

این مطالعه به بررسی اثر شوک‌های تراز پرداخت در رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۲۱ با استفاده از روش جی و آر پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که بر اساس نمودارهای واکنش رشد اقتصادی کشورها نسبت به تغییرات نرخ ارز، رشد اقتصادی کشور قبرس نسبت به تغییرات نرخ ارز بهبود یافته، رشد اقتصادی کشورهای بحرین و کویت نسبت به تغییرات نرخ ارز واکنش کاهشی داشته و رشد اقتصادی کشورهای قطر، مصر، ایران، عراق، رژیم اشغالگر قدس، عمان، یمن و ترکیه نسبت به تغییرات نرخ ارز دچار نوسان بوده‌اند. بر اساس نمودارهای واکنش رشد اقتصادی کشورها نسبت به تغییرات تراز پرداخت، رشد اقتصادی کشورهای قبرس، مصر و یمن نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها ابتدا واکنش کاهشی داشته سپس بهبود یافته، رشد اقتصادی کشورهای بحرین، رژیم اشغالگر قدس و قطر

نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها ابتدا بهبود یافته سپس واکنش کاهشی داشته و رشد اقتصادی کشورهای ایران، عراق، کویت، عمان و ترکیه نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها دچار نوسان بوده‌اند. بر اساس نمودارهای واکنش تراز پرداخت کشورها نسبت به تغییرات نرخ ارز تراز پرداخت کشورهای عراق، رژیم اشغالگر قدس و قطر نسبت به تغییرات نرخ ارز ابتدا بهبود یافته سپس واکنش کاهشی داشته و تراز پرداخت کشورهای ایران، کویت، عمان، قبرس، بحرین، ترکیه و یمن نسبت به تغییرات نرخ ارز دچار نوسان بوده‌اند. بر اساس نمودارهای واکنش تراز پرداخت کشورها نسبت به تغییرات تراز پرداخت، تراز پرداخت کشورهای بحرین، عراق و ایران نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها ابتدا واکنش کاهشی داشته سپس بهبود یافته، تراز پرداخت کشورهای قبرس و رژیم اشغالگر قدس نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها ابتدا بهبود یافته سپس واکنش کاهشی داشته و تراز پرداخت کشورهای مصر، قطر، یمن، کویت، عمان و ترکیه نسبت به تغییرات تراز پرداخت‌ها دچار نوسان بوده‌اند؛ و برای رشد اقتصادی و تراز پرداخت کشور سوریه نیز نسبت به تغییرات نرخ ارز و تراز پرداخت واکنش قابل توجهی مشاهده نشد. باتوجه به نتایج به دست آمده مشاهده می‌شود که رشد اقتصادی اکثر کشورها پایدار نبوده و دچار نوسانات طی دوره‌های مختلف شده‌اند؛ از این رو پیشنهاد می‌شود سیاست‌های حمایت از تجارت هم از لحاظ واردات و هم از نظر صادرات اتخاذ گردد؛ چراکه این سیاست‌ها نه تنها موجب بهبود تراز تجاری و افزایش سطح آزادسازی تجاری کشور خواهد شد، بلکه بی‌ثباتی رشد اقتصادی و تولید را نیز کاهش خواهد داد. همچنین دستیابی به ثبات اقتصادی در سیاست‌های ارائه شده توسط مجامع جهانی مورد تأکید است؛ به طوری که سیاست‌های تعدیل ساختار با این هدف به کشورها پیشنهاد می‌شود. ضمن آنکه سیاست‌گذاران در کشورها باید استراتژی‌های مدیریت بدهی خارجی مؤثری را برای مقابله با اثر نامطلوب شوک‌های نرخ ارز و تراز پرداخت‌ها که عمدتاً ناشی از شرایط اقتصادی یا مالی در کشورها است، اتخاذ کنند. لذا باتوجه به اولویت سیاست آزادسازی تجاری نسبت به سایر سیاست‌های تعدیل اقتصادی و سهم این متغیر در کاهش نوسانات رشد اقتصادی توصیه می‌شود سیاست‌های حمایت از تجارت اتخاذ گردد؛ چراکه این سیاست‌ها نه تنها موجب بهبود تراز تجاری و افزایش سطح آزادسازی تجاری کشور خواهد شد بلکه بی‌ثباتی رشد اقتصادی و تولید را نیز کاهش خواهد داد.

References

- Abu Nouri, A. A., & Khajazadeh, M. (2019). Analysis of the impact of financial and commercial development on economic growth in OPEC member, *Financial Economics Quarterly*, 13(14), 371-311.
- Andikaei, A., & Pedram, M, (2013) Effects of exchange rate changes on prices using the VAR vector regression model, *Transport and Development Monthly*, 47, 50-60.
- Asgharpour, H., & Jame Shoorani, Z. (2014). Analysis of the effect of monetary approach on the balance of payments in Iran, *specialized scientific quarterly of economics and planning*, 4(1). 67-82.
- Banerjee, B.; Shi, H.; Radovan, J.; Sheng, Y., & Li, X. (2017). The Impact of the Exchange Rate and Trade Composition on China's Trade Balance Vis-À-Vis Selected Partner Countries. *Comparative Economic Studies*, 59(3), 311-344.
- Bussiere, M.; Chudik, A., & Sestieri, G. (2012). Modelling Global Trade Flows: Results from a GVAR Model. *Federal Reserve Bank of Dallas, Texas*. 119.
- Cavand, Ali; (2015). Investigating the growth model bound to the balance of payments in Iran, *Commercial Research Quarterly*. 82, 123-152.
- Chinn, M. D., & Prasad, E. S. (2003). "Medium-Term Determinants of Current Accounts in Industrial and Developing Countries: An Empirical Exploration". *Journal of International Economics*. 59(1) (January): 47-76.
- Chudik, A., & Pesaran, M. (2013). Econometric analysis of high dimensional VARs featuring a dominant unit. *Econom. Rev.* 32(5-6), 592-649.
- Chudik, A., & Pesaran, M. (2016). Theory and practice of GVAR modelling. *J. Econ. Surv.* 30(1), 165-197

Dees, S.; Di Mauro, F.; Pesaran, M., & Smith, L. (2007). Exploring the international linkages of the Euro Area: a global VAR analysis. *J. Appl. Econom.* 22, 1–38.

Dezhpasand, F., & Gudarzi, H. (2008). Investigating the effect of devaluation on Iran's balance of payments, *Economic Research Journal*, 9(3). 15-41.

Eshraghi, M. (2019). Analysis of the flow of global foreign direct investment (FDI) and international trade, *study reports of Iran Trade Development Organization*.

Heller, R. (1992). *International trade theories and empirical evidence*, translated by Malik Afaq Fathianpour Kandi, first edition, Tehran.

Hemmati, A., & Mubasher, A. (2018). sources of nominal and real exchange rate fluctuations in an oil-dependent economy: the case of Iran, *Energy Economics Quarterly*, 8(28), 135-151.

Arize, A. C.; Malindretos, J., & Igwe, E. U. (2017). Do Exchange Rate Changes Improve the Trade Balance: An Asymmetric Nonlinear Cointegration Approach. *International Review of Economics & Finance*, 49, 313-326.

Heydari, H.; Salehian Salehinejad, Z., & Faizi, S. (2014). Analyzing the reaction of Iran's trade balance to exchange rate changes using the time-variable parameter approach, *Research Journal of Economics Quarterly*, 14(54), 67-99.

Kazrouni, S. A., & Sojodi, S. (2007). The effect of foreign direct investment and commercial freedom on Iran's economic growth, *Political Economy and Development Quarterly*.

Kolbasi, H.; Raisi Ardali, Gh., & Raisi, M. (2004). Estimating the amount of trade within Iran's mutual industry, *Iran Economic Research Quarterly*.

Mazini, A. H., & Yaori, K. (2004). The effect of exchange rate changes on the commercial sector of the country, a case study of the exchange relationship and the relative price of tradable and non-tradable goods, *Research Quarterly Economic*. 14, 89-108.

Mohammadi, H., & Aryabod, A. (2011). Investigating the effect of exchange rate adjustment on Iran and South Korea's trade trend, *Iranian Economic Research Quarterly*. 52, 169-182.

Mohammadi, T.; Nazeman, H., & Pirsarai, Y. (2013). Investigating the dynamic causal relationship between financial development, trade openness and economic growth; A case comparison of the two oil-rich countries of Iran and Norway. *Iranian Energy Economy Research Journal*. 3(10), 151-178.

Mohseni, R. (2021). Factors affecting Iran's current account balance: a comparative analysis, *Scientific Journal of Economic Policy*, 13(25)

Noferesti, M., & Nowrozi, Z. (2010). Balance of payments as a monetary phenomenon: an analysis in the framework of a small-scale structural macroeconomic model, *Economic Quarterly*, Shahid Beheshti University. 105-130.

Oyeyinka, S.; Omoshoro, J., & Lumengo, B. (2021). Global imbalances, external adjustment and propagated shocks: An African perspective from a global VAR model, *International Economics*, 186-203.

Pedram, M.; Shirin Bakhsh, Sh., & Rahmani, M. (2010). Dynamics of curve C in Iran's foreign trade, *Economic Research and Policy Quarterly*. 19(60), 18-5.

Pesaran, M.; Schuermann, T., & Weiner, S. (2004). Modelling regional interdependencies using a global error-correcting macroeconometric model. *J. Bus. Econ. Stat.* 22(2), 129-162.

Pournaqi, S.; Jafari Samimi, A.; Askari, F. & Khalili, F. (2022). Investigating the effect of economic education policies on Iran's economic growth fluctuations, *Monetary and Financial Economy*. 28(21), 1-29.

Qatmiri, M. A., & Sharaftian Jahormi, R. (2016). Comparing the effects of exchange rate changes on production in selected developing countries with different currency systems, a pooled approach with panel data, *Economic Review Quarterly*, 4(1). 25-50.

Rajabian, M., & Salimifar, M. (2014). The effect of the real exchange rate on the non-oil trade balance (comparison of the experience of Iran and Turkey), *Strategist Magazine*. 77, 275-294.

Rashid, A., & Waqar, Sh. (2017). *Exchange Rate Fluctuations, Firm Size, & Export Behavior: an Empirical Investigation*, Small Business Conomics.

Shun, R. (1992). *Theory of International Trade*, translated by Mehdi Taghavi, first edition, Tehran.

Sultani, A. H., & Faisal, U. (2023). The Impact of Macroeconomic Indicators on the Balance of Payments: Empirical Evidence from Afghanistan. *Annals of Financial Economics*. 18(2).

Wu, S. (2018). "Estimation of the J-Curve: An Empirical Analysis Based on the Trade Balance between Australia and China". *International Journal of Trade, Economics and Finance*. 9(2): 88-95.

Yang, L. (2010). An Empirical Analysis of Current Account Determinants in Emerging Asian Economics. *Economics Section*, Cardiff Business School, Cardiff University, UK, Working Paper, February.